

بررسی میزان تاثیر وابستگی متقابل و جهانی شدن بر حکمرانی خوب و سیاست خارجی دولت‌ها

نوع مقاله: پژوهشی

علی بخششی^۱

محمد یوسفی جویباری^۲

جلیل ناییان^۳

پرویز احدی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی میزان تاثیر وابستگی متقابل و جهانی شدن بر حکمرانی خوب و سیاست خارجی دولت‌ها بود. با توجه به موضوع تحقیق، هدف‌های تحقیق مطالعه تاثیرات جهانی شدن و پیامدهای آن بر سیاست خارجی دولت‌ها و مطالعه رابطه بین دولت خوب و حکمرانی خوب بود و روشنی که در این تحقیق استفاده شده است، توصیفی، تحلیلی می‌باشد و به لحاظ نوع پژوهش، تحقیق نظری است. حکمرانی خوب با شاخصه‌های هشتگانه‌اش در تنظیم روابط دولت، بخش خصوصی و نهادهای مدنی به‌گونه‌ای عمل می‌کند که هریک از آنها به اهداف تعیین شده دست یابند و بازدهی و عملکرد دولت را بالا ببرند. الگوی حکمرانی خوب با فعال کردن همه بخش‌ها و در صورت فراهم بودن شرایط می‌تواند با استفاده از توان بخش خصوصی و مدنی کشور به توسعه پایدار انسانی دست یابد. حکمرانی خوب با افزایش آزادیهای سیاسی، آزادی مطبوعات و انتشار آزاد اطلاعات به عنوان حقوق ناظر بر اظهارنظر و پاسخگویی در بلندمدت می‌توان انتظار داشت

۱ دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران، تبریز.
azarbayjan1969@gmail.com

۲ دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران، تبریز. (نویسنده مسئول)
yousefijouybari@iaut.ac.ir

۳ دانشیار و عضو هیئت علمی، گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران
jnayebian@gmail.com

۴ استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، بناب، ایران و استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
parvizand@gmail.com

شهروندان این قدرت را داشته باشند که اعمال دولتها را تحت نظارت و کنترل داشته باشند و همین باعث می‌شود حکومت‌ها نسبت به تأمین نیازهای مردم پاسخگوتر باشند و سیاست‌هایی را انتخاب کنند که منجر بهارتقای سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری در مخارج عمومی جامعه، تخصیص بهینه منابع و درنهایت بهبود رشد اقتصادی شود. با افزایش ثبات سیاسی در بلندمدت ریسک و ناطمنیانی در فضای اقتصادی کشور کاهش یافته و به‌تبع آن سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. درواقع شاخص حاکمیت قانون بیانگر آن است که در جامعه‌ای که شهروندان و حاکمان آن مطیع قانون بوده و به آن احترام می‌گذارند، قراردادهای دولتی به درستی اجرا می‌شوند، حقوق مالکیت محترم شمرده می‌شود، عملکرد دستگاه قضایی قابل پیش‌بینی و شکایت علیه دولت موفقیت‌آمیز می‌شود و این عامل‌ها باعث تخصیص کارآمد منابع خصوصی و عمومی به فعالیت‌های مولده شده و باعث تسريع در رشد اقتصادی می‌شوند. به طور کلی، توسعه پایدار به معنای توسعه ای است که به طور همزمان در بعدهای اقتصادی، اجتماعی و محیطی پایدار است و باعث حفظ منابع طبیعی و افزایش کیفیت زندگی جامعه خواهد شد.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، توسعه پایدار، حکمرانی خوب، وابستگی متقابل، سیاست خارجی دولت‌ها.

طبقه‌بندی JEL K00,G38,O24

مقدمه

حکمرانی خوب شامل ساز و کارها، فرآیندها و نهادهایی است که به واسطه آن ها به شهروندان، گروه ها و نهادهای مدنی منافع خود را در بمال حقوق قانونی خود را اجرا می کنند و تعهداتشان را برآورده می سازند و تفاوتشان را تعديل می کنند (یگانگی و الوانی ۱۳۹۵). با توجه با حیطه مدیریت دولتی حداقل سه جهت گیری می توان مشخص کرد اول اینکه مدیریت دولتی را بخشی از فرایند دولت دانست که به تدوین و اجرای خط مشی عمومی می پردازد و آن را وابسته به علم سیاست محسوب کرد که به اصطلاحاتی نظریه عدالت، آزادی، انصاف، پاسخگوی و غیره اشاره می کند (باقرزاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۹۱). توسعه روابط بین الملل، به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در حکمرانی خوب، می تواند برای برقراری ارتباطات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین کشورها نقش مهمی را ایفا کند و با ایجاد فضایی برای بحث، تبادل نظر و همکاری، روابط بین الملل، به کشورها این موقعیت را می دهد تا با یکدیگر همکاری کنند و راه حل های مشترکی برای مسائل بین المللی ارائه کنند. به طوری که توسعه روابط بین الملل به کشورها این توانایی را می دهد که با آگاهی از تجربیات دیگر کشورها، سیاستهای خود را اصلاح کرده و شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و جهانی را تسهیل سازند. با توجه به این نکات، می توان گفت که توسعه روابط بین المللی به عنوان یکی از اصول حکمرانی خوب جهانی اهمیت فراوانی دارد. این اصل باید با همکاری و تعامل موثر کشورها، به منظور رسیدن به صلح، امنیت، توسعه پایدار و بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی جهانی، پیش برده شود و این همکاری و تعامل می تواند در قالب تشکیل کارگروه های بین المللی، ایجاد فضاهای بحث و تبادل نظر، توسعه روابط تجاری و اقتصادی، توسعه روابط فرهنگی و هنری و ایجاد توافقنامه های بین المللی صورت گیرد؛ بدین ترتیب تحقیق حاضر با هدف میزان تاثیر وابستگی متقابل و جهانی شدن بر حکمرانی خوب و سیاست خارجی دولت ها مدنظر قرار گرفته است.

۱. سوالات تحقیق

با توجه به اینکه موضوع تحقیق حاضر جدید است و تاکنون در قالب پژوهشی مشخص مورد مطالعه قرار نگرفته است، سوالات زیر مطرح می شود:

۱. وابستگی متقابل و جهانی شدن چه تأثیری بر حکمرانی خوب و سیاست خارجی دولت ها دارد؟
۲. توسعه پایدار چگونه می تواند بر حکمرانی خوب یک دولت اثرگذار باشد؟

۲. روش تحقیق

روش پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی و شامل بررسی تئوری‌ها، مکاتب، بررسی و تحلیل اثرات توسعه روابط بین الملل بر حکمرانی خوب می‌باشد. در این پژوهش، از نوع کاربردی برای کشف روابط بین متغیرها و پدیده‌ها و همچنین گره‌گشایی از مسائل و تنگناهای توسعه روابط بین الملل و مسائلی همچون وابستگی متقابل، توسعه پایدار و جهانی شدن استفاده شده است.

۳. مبانی نظری و پیشنهاد پژوهشات داخلی و خارجی

۱-۳. نظریه‌هایی حکمرانی خوب

با پایان جنگ سرد و ساختار دو قطبی نظام بین الملل در آغاز دهه ۱۹۹۰، کارشناسان اقتصاد سیاسی بین الملل به دنبال اجرای سیاست‌های الگوی اقتصاد آزاد برای کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته بودند. حاصل این نگاه، اجرای الگوی تعديل ساختاری بود که در برخی کشورها موفقیت‌هایی را در بی داشت، ولی به مرور زمان در سایر نقاط جهان، پیامدهای ویرانگر و بحران‌های ساختاری اقتصادی و سیاسی را به همراه آورد و نهادهایی چون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را به فکر چاره جویی انداد. پس از بررسی‌های گسترده پیرامون علل ناکارآمدی این الگو، کارشناسان در یافته اند که مشکل عملیاتی این برنامه، وجود دولت‌های فاسد و غیر دموکراتیکی بوده که اصولاً برای پیشرفت و توسعه‌ی کشورها به اندازه‌ی کافی دل نگران نیستند، و از این رو آن‌ها اعلام داشتند تا زمانی که حکومت‌ها و حکمرانان در جوامع در حال توسعه و توسعه نیافته به دنبال اصلاح رفتارهای حکمرانی نباشند، هر گونه طرحی به منظور توسعه، با شکست مواجه خواهد شد. شاخص‌های کلیدی برای اداره کشور بر مبنای حکمرانی خوب در برگیرنده شفافیت و پاسخگویی، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی و نفی خشونت، مبارزه با فساد، کارآمدی خدمات دولت و کیفیت مناسب مقررات می‌باشد (صبوری، ۱۳۹۱: ۲۱).

۱-۱-۳- پنج اصل حکمرانی خوب

تعریف اصول حکمرانی خوب دشوار و بحث بر انگیز است. برنامه توسعه سازمان ملل متحد (حکمرانی و توسعه انسانی پایدار، ۱۹۹۷) مجموعه‌ای از اصول را بیان می‌کند که با تغییرات جزئی، در بسیاری از ادبیات ظاهر می‌شود.

۱- مشروعیت و حق اظهار نظر ۲- جهت گیری ۳- کارآمدی ۴- مسئولیت پذیری ۵- عدالت.

از پنج اصل بالا، "مشروعیت و حق اظهار نظر" و "عدالت" قوی‌ترین مطالباتی هستند که بر اساس بیش از نیم قرن دستاوردهای سازمان ملل متعدد در زمینه حقوق بشر به صورت جهانی به رسمیت شناخته شده است.

۲-۱-۳- کلید صلح: چارچوبی برای حکمرانی خوب

- نیاز به ثبات سیاسی:

ثبات به معنی سک فرآیند دموکراتیک و عدم تمرکز است که خود نیازمند توسعه‌ایم فرهنگ دموکراتیک، نهادها، حل صلح آمیز اختلافات، بیان منافع و به اشتراک گذاشتن قدرت است. بر این اساس، باید حقوق و ارزش‌های جهان شمول توسط سیاست‌ها و شخصیت‌های یک دولت منتخب دموکراتیک تضمین شود. همچنین، پشتیبانی برای توسعه‌ی دموکراتیک بسیاری از سازمان‌ها و نهاد‌های مختلف مورد نیاز است.

- اهمیت عدالت کارآمد و حاکمیت قانون:

تعريف روش و تضمین حقوق فردی و جمعی و ایجاد نهادهای مستقل کارآمد برای حمایت از حاکمیت قانون اساسی در روند صلح، اصل بنیادینی است. این حقوق در چارچوبی تعريف می‌شود که در آن تمام فعالیت‌های استقرار صلح در آن اتفاق بیفتد. آن‌ها از افراد و گروه‌هایی که نیازمند جبران خسارت هستند محافظت می‌کنند نهادهای قوی، به ویژه قوه‌ی قضاییه، برای اطمینان از رفتار برابر و احراق حقوق همه‌ی شهروندان مورد نیاز است. این مقررات باید تشویق شود و دریک محیط سیاسی باز و اهل مدارا محافظت گردد و اطمینان حاصل شود که آن را با ملاحظات قومیتی، نژادی یا مذهبی تحت سلطه قرار ندهند.

- تقاضا برای توسعه عادلانه و پایدار:

یک قرارداد اجتماعی قوی بین دولت و شهروندان برای توسعه راهبردها و به شکل فraigیر و عادلانه ضروری است. در صورت عدم وجود چنین قراردادی، حکومت‌ها به احتمال زیاد به فرمانت‌وابانی در راستای منافع نخبگان خاص (اقتصادی، قومی، مذهبی یا اجتماعی) تبدیل می‌شوند.

حاکمیت خوب براساس حاکمیت قانون نیازمند تفکیک قدرت است؛ از جمله تفکیک خدمات نظامی و امنیتی از قدرت اجرایی دولت، و تفکیک امور اجراییاز قانونگذاری و قضایی. این موضوع چنانچه از اصلاحات در اصول و شیوه‌های شفافیت، پاسخ‌گویی، کارآیی و

مشارکت حمایت گردد، تحقق می‌یابد. هرچند این اصلاحات زمان بر و تدریجی است (ساواج^۱، ۱۲: ۲۰۰۳).

• حکمرانی خوب و جامعه مدنی:

حکمرانی باید حداقل سطح دموکراسی را برای خوب بودن داشته باشد. در نظامهای دموکراتیک، نهادها و مناسبتهای گوناگون موجود در درون و میان دموکراسی‌ها، نظارت‌ها و موازنها و فشارهای متقاطعی ایجاد می‌کند که جلوی ستیزه جویی را در میان آن‌ها می‌گیرد. حکمرانی خوب هشت شاخص اصلی دارد. اینها شامل: مشارکتی بودن، اجماع محور بودن، پاسخ‌گو بودن، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، کارآمدی و اثرباری، عادلانه و فراگیر بودن و حاکمیت قانون است. این‌ها تضمین می‌کند که فساد به حداقل برسد، نظر اقلیت لحاظ شود و صدای آسیب‌پذیر ترین توده‌ها در گوش تصمیم‌گیرنده گان برسد. چنین حکمرانی در قبال نیازهای امروز و فردای جامعه پاسخ‌گو مسئول است. در نتیجه، حکمرانی خوب به وجود نظارت و توازن (پاسخگویی افقی) مشارکت و انتخابات (پاسخگویی عمومی) و احترام به حقوق بنیادین بشر (که شامل حقوق سیاسی نیز می‌شود) نیاز دارد. میزان و نحوه برآورد ساختن این معیارها برای خوب بودن یک سیستم حکومتی، مساله مهمی است (تانگ^۲، ۲۰۱۳: ۲۸).

۳-۱-۳- حکمرانی خوب و دولت

حکمرانی خوب مساوی دولت خوب نیست، چرا که همه نهادهای حکومتی در کشورها، در دولت و قوه مجریه متصرف نشده است، بلکه سایر نهادهایی وجود دارند که خارج از قوه مجریه و دولت در جامعه ایفا نقش می‌کنند. بنابراین وجود دولت خوب اگر چه شرط لازم حکمرانی خوب است ولی به هیچ وجه شرط کافی نیست. حکمرانی خوب نتیجه تعامل کارکرد همه قوای کشور است. (بهرام جلیل خانی، وبلاگ مدیریت تحول). به طور کلی، برای اداره امور عمومی دو پارادایم وجود دارد: در پارادایم نخست که حکومت نام دارد، مسئولیت تمام حکومت بر عهده حکومت است و موظف است که تمام خدمات را برای مصرف جامعه مدنی و با شهروندان فراهم کند. در پارادایم دوم که حکمرانی نام دارد، مسئولیت اداره عمومی میان سه نهاد حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی تقسیم شده است که هر سه مورد از لوازم توسعه انسانی به شمار می‌روند. ضمن آنکه هر سه بخش یاد شده در تعامل با یکدیگر قرار دارند به گونه‌ای که ضعف و قدرت بیش از حد یکی از آنها تعادل اجتماعی را بر هم خواهد زد. لذا ایجاد ارتباط و تعادل لازم و تفکیک وظایف هر یک از این سه

^۱Savage

^۲Thang

بخش امکان بهتر زیستن را در یک جامعه مطلوب فراهم خواهد کرد (ایمانی جاجرمی و دیگران، ۱۲۸۱: ۹).

۴-۱-۳- ارکان اصلی حکمرانی خوب

اگر چه ارائه و معرفی الگویی واحد برای حکمرانی خوب دشوار است، اما رکن اصلی برای آن می‌توان برشمود که عبارتند از:

- بخش عمومی و دولت که وظیفه هدایت و راهبری و برقراری حاکمیت قانون را به عهده دارد.
- بخش‌های خصوصی که عهده دار ایجاد اشتغال، درآمد، تولید، تجارت و وظیفه کسب و کار را بر دوش دارند - جامعه مدنی که فراهم کننده فرصت ابراز وجود مردم و شهروندان است.
- سازمان‌های محلی که وظیفه بسیج، سازماندهی و اعمال فرهنگ‌های بومی را بر عهده دارند.
- بدیهی است تعامل خوب و روان بین ارکان فوق، زمینه را برای تحقق حکمرانی خوب در ابعاد مختلف فراهم می‌آورد. (جلیل خانی، پیشین).

۴ پیشینه پژوهش

کتاب: درآمدی بر حکمرانی خوب، نویسنده: مهدی مقداری، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۵ در رابطه سیاست و جهانی شدن آنچه می‌تواند نقش پررنگ و برجسته باشد در واقع، همان از دست رفتن استیلای بلند مدت دولت ملی در جهان امروزی است. دولت در عصر جهانی شدن، دیگر نقطه گذار اجرایی می‌باشند خصوصی و عمومی نیست حضور دائمی دولت، به مرور که مرزهای بازیگران عمومی و خصوصی تغییر می‌کند و کنشگران خصوصی در نقش مدیران منافع عمومی ظاهر می‌شوند، زیر سوال می‌روند. در عصر جهانی شدن با توجه به قرائت لیبرالی از آن دولت ملت‌ها چیزی جزتماشاگر این فرآیند نیستند و نیرو محركه‌جهانی شدن همان بازارها می‌باشند در واقع نگارنده کتاب معتقد است که با توجه به تغییر و تحولات پس از عصر جهانی شدن در حوزه‌های مختلف دولت‌ها چه در عرصه روابط دیپلماتیک خود و سیاست خارجیو نیز در چارچوب اقدامات خود در حوزه سیاست داخلی تحت نظرات شهروندان خود قرار دارد و شهروندان توقع شفافیت بیشتری از حاکمان دارند و این مطالبات اصلی دمکراسی می‌باشد. در کنار این شفافسازی اقدامات صورت گرفته از سوی دولت‌ها باعث شده تا از سه زاویه سیاست، اقتصاد و فرهنگ، دولت‌ها مورد ارزیابی جامعه جهانی قرار بگیرند و میزان وابستگی آنها با سایر مناطق مشخص شود.

کتاب: حکمرانی خوب و تحول در نظام بین الملل، نویسنده: ضیال الدین صبوری، انتشارات: روناس،

۱۳۹۱

نگارنده کتاب بدنیال مطرح کردن این سوال مهم هستند که الگوی حکمرانی خوب به عنوان ایده جدیدی که جایگزین مفهوم حکومت شده، چه تاثیری در تحول نظام بین الملل دارد و چگونه نظام بین الملل مطلوب از رهگذر دستیابی به این سطح از حکومت سامان و تحقق می‌یابد. مولف معتقد است حکومت و حکمرانی خوب سبب ارتقای نقش دولت‌ها و جامعه مدنی در ساماندهی سیاست‌ها و همسوئی در اجرای سیاست‌ها و یکپارچگی نظام بین المللی خواهد شد. حکمرانی خوب می‌تواند پیش زمینه‌ای برای پیشرفت در ابعاد دولت، جامعه مدنی و نظام بین الملل شود. در واقع این کتاب بدنیال قواعدی است که بدون آنها، سازمانها، دولتها، یا همان بازیگران نمی‌توانند آنطور که باید و شاید، حکمرانی خوب را رقم بزنند. نویسنده کتاب معتقد است اگر قواعد بازی یعنی نهادها، طوری طراحی شوند که ارتباط بهینه میان این بازیگران را ممکن سازند و عمل حکمرانی خوب ممکن نمی‌شود. در واقع نویسنده با تأکید بر نظام بین الملل پس از عصر جهانی شدن و اهمیت یافتن بازیگران مختلف در عرصه نظام بین الملل و هم در سیاست داخلی دولت‌ها بدنیال ایجاد یک الگوی ارتباط محور میان آنها باشد.

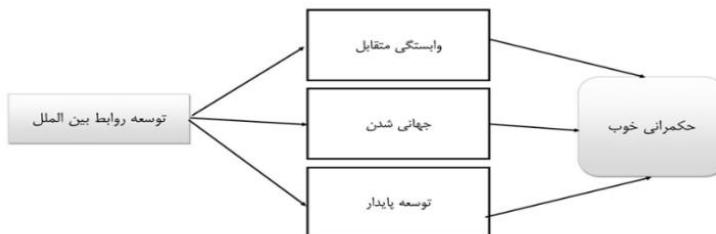
مقاله: بررسی نقش حکمرانی خوب در کارآمدی دولت‌ها، نویسنده گان: حبیب ابراهیم پور، فهیمه الیکی، (کنفرانس بین المللی نخبگان مدیریت، خرداد ماه ۱۳۹۵).

یکی از نظریات متاخر در باب توسعه، توجه به اهمیت توسعه و پذیرش نظریه حکمرانی خوب به عنوان یک مدل ایده‌آل برای توسعه پایدار است. با توجه به اینکه حکمرانی خوب، مدیریت شفاف و پاسخگو در یک کشور با هدف تضمین توسعه اقتصادی و اجتماعی و سیاسی عادلانه و پایدار است و همچنین حکمرانی خوب نتیجه تعامل و کار کرد قوای یک کشور در عرصه نظام بین الملل و سیاست داخلی خود است دولت‌ها را بر آن داشته تا بر تکیه بر این مفهوم و ارائه شاخص‌های آن در حیطه کشور خود بتوانند جایگاه مستحکم برای خود در میان شهروندان و افکار عمومی بیابند. یکی از دلایل پرداختن به حکمرانی خوب نقش آن بر کارآمدی دولتهاست. نگارنده‌گان مقاله به دنبال این هستند که با اتکا به ویژگیهای که حکمرانی خوب دارد روابط دولت، بخش خصوصی و نهاد‌های مدنی را به گونه‌ای تنظیم کنند تا ضمن کارآئی و اثر بخشی بالا و همکاری تعاملی و استفاده از توان و ظرفیت‌های موجود بخش دولتی رشد و توسعه اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی تاثیر ایده‌آل بگذارند. هر قدر دولت‌ها در چارچوب اقدامات خود چه در عرصه سیاست خارجی و چه در عرصه سیاست داخلی پاسخگویی و کارآمد تر باشند ثبات سیاسی بیشتر، حاکمیت قانون گستره تر و فساد محدود تر شده و حکمرانی خوب برقرار می‌شود.

مقاله: از بررسی حکمرانی خوب تا الگوی حکمرانی پایدار نویسنده‌گان: محمد رحیم عیوضی، نازنین مرزبان، معصومه صالحی، فصل نامه راهبرد، سال بیست و ششم، شماره ۸۵، زمستان ۱۳۹۶.

نویسنده‌گان مقاله فوق معتقد هستند اگر جهانی شدن و تعاریفی که از حکمرانی خوب توسط سازمانها و نهادهای بین المللی ارائه می‌شود و الگوهای مختلفی که از سوی این سازمان‌های بین المللی برای طیف وسیعی از کشورها تجویز می‌شوند، اغلب به دلیل عدم همخوانی با شرایط بومی، تاریخی، فرهنگی و غیره محکوم به شکست بوده و منجر به ناپایداری می‌شوند. براین اساس ضرورت دارد هر ملتی با توجه به شرایط خود اقدام به تدوین روش حکمرانی خوب و توسعه نماید.

۵. مدل مفهومی پژوهش



نمودار ۴،۱ مدل مفهومی پژوهش

منبع: محقق ساخته

۶. داده‌های پژوهش

جهانی شدن به عنوان یک پدیده گستردگی و چند رشته‌ای، در حال تحت تاثیر قرار گرفتن سیاست خارجی دولت‌هاست. این پدیده باعث شده که دولت‌ها برای جلب همکاری و تجارت با کشورهای دیگر، همکاری و تعامل بیشتری با آنها داشته باشند. در نتیجه، توسعه روابط بین الملل، به عنوان یک راهبرد مهم برای دولت‌ها به منظور تحقق حکمرانی خوب، اهمیت بسیار زیادی پیدا کرده است. از دیدگاه اقتصادی، توسعه روابط بین الملل به صورت دوجانبه عمل می‌کند. این امر از یک سو باعث ایجاد فرصت‌های تجاری و رشد اقتصادی در کشور، دولت است، و از سوی دیگر به دیگر کشورها نیز فرصت‌های تجاری و رشد اقتصادی را ارائه می‌دهد. در نتیجه، توسعه روابط بین الملل باعث تحقق حکمرانی خوب و توسعه اقتصادی کشورها می‌شود.

۶-۱- تاثیر جهانی شدن بر کارکرد و فرایند نظام بین الملل

باتوجه به اهمیت روندها، جریان‌ها و تحولات فرایندهای در عصر جهانی شدن، می‌توان اذعان داشت که فرایندها در مقایسه با ساختارهای اهمیتی فرایندهای یافته است. به طور کلی، در عصر جهانی شدن، سه فرایند عمده موجب تحول در نظام بین الملل شده است: نخست فرایندهای افقی مبتنی بر وابستگی متقابل جهان در هم تنیده کنونی. دوم فرایندهای از پایین به بالا بر نظام تصمیم‌گیری جهانی و سوم، تشدید الگوهای رقابت - همکاری در عرصه میان کنش بازیگران (ساسین، ۲۰۰۷).

۶-۲- تشدید الگوی رقابت - همکاری

در شرایط و دوران گذار در مناسبات جهانی، به دلیل پیچیدگی و ابهام ذاتی و تغییرات محیط جهانی و تحول ماهیت قدرت و تنوع بازیگران، الگوی رقابت - همکاری بر مناسبات بازیگران حاکم شده، به گونه‌ای که رقابت‌ها بیشتر اشکال غیر نظامی به خود گرفته، گرچه از شدت و اهمیت حیاتی رقابت‌های نظامی قهرآمیز کاسته نشده است. ماهیت جهانی فرایندهای گوناگون به دوران ازدواج‌بیانی داوطلبانه در روابط بین الملل پایان داده، و غیبت در عرصه‌های منطقه‌ای و بین المللی نه یک امتیاز، که نوعی نقطه ضعف و کاستی محسوب می‌شود. در این اوضاع و احوال، رویکرد چند جانبی گرایی و "همکاری - رقابت"، جای تقابل با همکاری بی‌قید و شرط را گرفته، و بازی با حاصل جمع صفر، جایگاه خود را در مناسبات نوین جهانی از دست داده است (ظریف در: کرووازمن، ۱۳۹۲). براساس نظریه انتقال قدرت، با توجه به وابستگی و پیوستگی جهان سیاست به یکدیگر از نظر عمودی و افقی، درجات متفاوت و متغیر همکاری و رقابت بر روابط میان ملت‌ها حاکم است. در این رهگذر، پویایی از آن عواملی است که موجب تغییر در نظام بین الملل می‌شوند، که از آن جمله می‌توان به نزخ متفاوت رشد کشورها و تغییر قدرت نسبی ملت‌ها اشاره کرد که منجر به روابط جدید بین ملت‌ها و شکل‌گیری هویت‌های جدید می‌گردد. تعامل بین عناصر ساختاری و پویای قدرت، فعالیت‌های شبکه‌ای شرکت‌های فرامیانی در فرایند نظام تولید بین المللی و امکان پذیری انتطبق بازیگران، اعم از دولت‌ها - ملت‌ها، سازمان‌های بین المللی و نهادهای جامعه مدنی بین المللی با محیط پیرامونی در دوران انتقال و گذار، می‌تواند بر نوع روابط همکاری جویانه یا رقابت آمیز کنش گران بین الملل تاثیر گذارد (اسکات، ۱۹۶۷، ۲۷).

^۱Sassen

^۲Scott

در واقع در دوران گذار در نظام بین الملل، نگاه فراگیر و جامع و دقیق، جای خود را به فرایندی مقطوعی و موردی می دهد. آن چه در این میان حائز اهمیت است، توانایی انطباق و انعطاف بازیگران، متناسب با شرایط متغیر و متتحول بیرونی است (سرنی ۶۱، ۲۰۰۶: ۶۷-۸۷).

۶-۳. حکم رانی جهانی: مولفه ها و ابزارها

مولفه های حکمرانی جهانی شامل سه مولفه ای اصلی قدرت یعنی قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی و امنیتی و قدرت ایدئولوژیک می شود. اعمال حاکمیت در سطح جهان نیازمند ابزارهای کارآمد است. در این رابطه سه دسته ابزار کلی اعمال حاکمیت وجود دارد که عبارتند از: سازمان ها و نهادهای بین المللی، رسانه های ارتباط جمعی، متغیرهای ژئوپلیتیک.

بنابراین فرآیند حکمرانی جهانی در عصر حاضر مبتنی بر الگوی دموکراسی، تعمیم یافته است. همانطور که دموکراسی می تواند از طریق نهادهای اقتصادی و اجتماعی به انحراف کشیده شود حکمرانی جهانی نیز تحت تاثیر شرایط اقتصادی و سیاسی کشورها خواهد بود. این نکته ثابت شده است که قدرت سیاسی و اقتصادی به یکدیگر پیوند خورده اند. اما باید در نظر داشت که حکومت ها دارای توانمندی یکسانی نیستند. مشارکت موفقیت آمیز در روند جهانی شدن، موکل به امتیازات نهادینه شده و ظرفیت های سیاسی کشورهاست که توزیعشان دیرزمانیست به شدت نابرابر بوده است. خطرات جهانی شدن و آسیب پذیری نسبت به تکانه های بیرونی در کشورهای ضعیف محسوس تر است. بر عکس قدرت ساختاری یعنی توانایی اشکال مناسب کشی، برخورداری از زیر بنایها و پیوندهای لازم برای تاثیر بر روند جهانی شدن در کشورهای نیرومند اقتصادی متتمرکز شده است (همان). نتیجه این شرایط انحراف فرآیند حکمرانی جهانی به سمت اهداف و تمایلات کشورهای قدرتمند خواهد بود (برژینسکی، ۱۳۸۳: ۱۹۷).

۶-۴. ویژگی ها و برخورداری کشورها، برای نقش آفرینی در حکم رانی جهانی .

کشورهایی که خواهان مشارکت موثر در فرآیند حکمرانی جهان هستند باید حائز ویژگی هایی باشند که چنین امکانی را در اختیار آنان قرارداد. این ویژگی ها از نظر مایکل مان تحت عنوان منابع قدرت اجتماعی شناخته می شوند. کشورهایی می توانند در مشارکت جهان نقش آفرین باشند که دارای این توانمندی ها هستند. نقش آفرینی موثر نیازمند به کار گیری ابزار مناسب است. در بخش بعد، ابزار اعمال مدیریت که کشورهای مختلف از آن بهره می برنند، ارائه می شود.

• قدرت اقتصادی

برخورداری از اقتصادی قدرتمند اولین مولفه کشورهایی است که در عرصهٔ جهانی به اعمال نظر و قدرت می‌پردازد. قدرت اقتصادی شامل دو بخش است: اولاً این قدرت باید در حوزهٔ نظام سازی و مدیریت جامعه نمایان شود. ثانیاً اقتصاد قدرتمند باید در حوزهٔ نظری نگرشی جهانی و برتر نسبت به سایر مکاتب اقتصادی داشته باشد. تاریخ اندیشه‌های اقتصادی نشان از نگرش‌های مختلف به تعاملات اقتصادی انسان‌ها دارد. اندیشه‌ی مرکانتیلیسم با توجه به ذخیره و انباست طلا در عمل، زمینه ساز استعمار کشورها و دزدی منابع اقتصادی کشورهای مختلف شد. مرکانتیلیسم در دوران رشد سرمایه داری در غرب بویژه هم زمان با کوشش‌های استعماری اروپاییان در مستعمراتشان پدید آمد و به آنان بسیار کمک کرد و حتی در سیاست‌های اقتصادی قرن بیستم تاثیر گذارد، چنان‌که بسیاری از سیاست‌های این عصر از این مکتب برآمد (حاجیان پور، ۱۳۸۸) اندیشه‌ی کمونیسم اشتراک منابع را ایجاد می‌کند و در عمل برای مدیریت این منابع مشترک یک قدرت متمرکز مورد نیاز خواهد بود. این نگاه در تعاملات اقتصادی جهانی به حضور یک قدرت اقتصادی بلا منازع که بقیه کشورها را به اطاعت خود وادار کند، نیاز دارد. اندیشه‌ی سرمایه داری با هدف کسب سود از هر طریقی رقابت اقتصادی جهانی را ایجاد می‌کند. سرمایه داری رسم‌آ فرامیتی است (مگداف، ۱۳۸۳: ۱۶) هدف از آن کسب سود از هر نوع بازاری صرف نظر از موانع ملی، منطقه‌ای، مذهبی و سایر محدودیت‌ها در همه جا است (رمان، ۱۳۸۳: ۹۰) این نگاه، رقابت بی‌رحمانه و حتی ناعادلانه اقتصادی در سطح جهان را ایجاد می‌کند. اندیشه‌ی اقتصادی اسلام مبتنی بر عدالت و کرامت انسانی است. این اندیشه نیز نگاهی جهانی دارد و طبیعتاً نظام اقتصادی مبتنی بر آن با نظام فعلی جهانی متفاوت است.

• قدرت سیاسی و نظامی

قدرت نظامی به معنای برخورداری از توان اعمال زور و قدرت بر سایر کشورها با هدف تأمین منابع خود است. قدرت سیاسی در مقابل به معنای تأمین منافع خود از روشنی غیر از اعمال زور و قدرت است. به عبارت دیگر کشورهای مختلف برای تأمین خود در سطح جهان از نهادهای رسمی بین المللی و نیز نهادهای غیر رسمی و بعض‌آ مخفیانه استفاده می‌کنند. اگر استفاده از این نهادها منجر به تأمین منافع کشورها نشد از گزینه‌ی اعمال زور و مداخلات نظامی در سطوح مختلف بهره می‌برند. قدرت نظامی یک کشور صرفاً به معنای برخورداری از تسليحات جنگی ارتش‌های مجهر نیست بلکه به معنای توان بهره گیری از ابزارهای قهرآمیز همراه با خشونت است. تغییر تاکتیک‌های جنگی و نیز وارد شدن مولفه غیر نظامیان به درگیری‌های نظامی تعریف جدیدی از قدرت نظامی نشان می‌دهد (همان: ۹۸). برخورداری از قدرت سیاسی و نظامی به معنای حضور سیاسی و

استفاده از ابزارهای قهر آمیز و جنگی در مسائل جهانی در دهه‌ی اخیر مهم ترین مولفه‌ی کشورهایی است که خواهان مدیریت جهانی هستند.

• قدرت ایدئولوژیک

قدرت ایدئولوژیک مبتنی بر این واقعیت است که ایده‌هایی با سرشتی خاص که توسط اشخاص صاحب اقتداری خاص صورت بندی شده‌اند، می‌توانند بر رفتار و باورهای افراد تاثیر بگذارند بنابراین قدرت ایدئولوژیک اساساً قدرت یا اقتدار تفسیر است، یعنی تفسیر بنیان‌ها و ویژگی‌های یک ایدئولوژی خاص. ایدئولوژیک صرف نظر از این که در زمینه‌ی یک ایدئولوژی کلی، یک ایدئولوژی خاص یا حتی در جامعه‌ای باشد که ظاهراً هیچ ایدئولوژی خاصی در آن تفوق یا سلطه ندارد، قدرت تعیین حق و باطل، "خوب" و "بیگانه"، مقبول و نامقبول بدون اعمال اجباری فیزیکی است. پس هم در جوامعی که ایدئولوژی خاصی حاکم است و هم در جوامع فرضی غیر ایدئولوژیک و حتی در درون گروه‌های ایدئولوژیک در سطح پایین اجتماعی، قدرت ایدئولوژیک در اختیار اشخاص حقیقی یا نهادهایی است که می‌توانند هنجارها، باورها و ارزش‌های اجتماعی را تفسیر، تعديل یا تقویت کنند. این نکته بویژه در جوامعی که یک ایدئولوژی رسمی مانند مذهب دولتی وجود دارد و نیز در برخی گروه‌های خاص ایدئولوژیک در جوامع مختلف آشکار تر است. حتی در جوامع مدرن غربی مانند آمریکا نیز می‌توان نمونه‌هایی از آن را دید: رسانه‌های گروهی و صنعت سرگرمی (از جمله تصمیم گیرندگان اجرایی) که با گزینش برخی اخبار و تصاویر خاص و ارائه تصویری مثبت یا منفی از رویدادها و اشخاص، قدرت ایدئولوژیک خود را اعمال می‌کنند، یا افراد برجسته نظیر رئیس قبلی یا فعلی دولت یا اشخاص معروف مانند ستارگان سینما یا هنرمندان بزرگ که صرفاً با بیان نظر خود می‌توانند آرمان خاصی را عملاً دنبال کنند (ملک احمدی، ۱۳۷۹).

۶-۳ توسعه پایدار

توسعه پایدار به عنوان یک رویکرد گستردۀ به توسعه، می‌تواند در حکمرانی خوب یک دولت تاثیر قابل توجهی داشته باشد. توسعه پایدار به معنای توسعه‌ای است که نیازهای نسل حاضر را برآورده می‌کند، بدون آنکه امکان برآورده شدن نسل‌های آینده را به خطر بیندازد. حکمرانی خوب یک دولت نیز به معنای حکومتی است که به نحو اثر بخشی و عادلانه نیازهای شهروندان خود را برآورده می‌کند. توسعه پایدار و حکمرانی خوب دارای ارتباطات نزدیکی هستند و همکاری بین آنها می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی یک کشور کمک کند.

۶-۳-۱ تاثیرات توسعه پایدار در حکمرانی خوب

۱. تعادل بین اقتصاد و زیست محیطی

حکومت‌ها می‌توانند با پیروی از اصول توسعه پایدار، اقتصاد را توسعه دهند در عین حال محیط زیست را حفظ کنند. برنامه ریزی مناسب برای بهره برداری از منابع طبیعی، کاهش آلودگی و افزایش استفاده از منابع تجدید پذیر می‌تواند بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش تاثیرات منفی بر زیست محیطی را به همراه داشته باشد.

۲. عدالت اجتماعی

توسعه پایدار باید به صورت عادلانه و برابر در سطوح اجتماعی و اقتصادی توزیع شود. حکومت می‌توانند با اجرای سیاست‌های عدالت مندانه در زمینه توزیع ثروت و فرصت‌ها، بینایی و عدالت اجتماعی را بهبود بخشنند.

۳. مشارکت مردم

حکومت‌های خوب باید مردم را در فرآیند‌های تصمیم‌گیری مشارکت دهند. توسعه پایدار نیازمند همکاری و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوطه به توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است. حکومت‌ها می‌توانند با ایجاد فرصت‌های مشارکت مردم در سطوح مختلف، نظرات و نیازهای آنها را در نظر بگیرند و بهبودی بهتر برای جامعه را تضمین کنند.

۴. شفافیت و حساب‌پذیری

حکومت‌های خوب باید شفاف و حساب‌پذیر باشند. اطلاع رسانی موثق و دسترسی آزاد به اطلاعات مربوط به توسعه پایدار، می‌تواند به شفافیت حکومت کمک کند و به شهروندان اعتماد بیشتری در قدرت تصمیم‌گیری دولت بدهد.

۵. همکاری بین المللی

توسعه پایدار نیازمند همکاری و هماهنگی بین کشورهاست. حکومت‌ها می‌توانند با شرکت در سازمان‌ها و تفاوتات بین المللی مربوط به توسعه پایدار، بهبود وضعیت خود و جامعه جهانی را تحقق دهند. پس بنابراین توسعه پایدار می‌تواند بهبود وضعیت حکمرانی یک دولت را از طریق تعادل اقتصاد و زیست محیطی، عدالت اجتماعی، مشارکت مردم، شفافیت و همکاری بین المللی را به همراه داشته باشد.

۶. یافته های تحقیق

تحقیقات و یافته های تحقیق در زمینه توسعه روابط بین الملل و حکمرانی خوب نشان میدهد که ارتباطات بین المللی و نهاد های بین المللی می توانند نقش مهمی در حکمرانی خوب داشته باشند برخی از یافته های مهم عبارتند از :

۱. **تعزیز همکاری و تبادل اطلاعات :** توسعه روابط بین المللی می تواند به تقویت همکاری و تبادل اطلاعات بین کشورها کمک کنند و این همکاری می تواند منجر به بهبود تصمیم گیری و افزایش کیفیت حکمرانی در سطح بین المللی شود .
۲. **حل منازعات:** روابط بین المللی می تواند به حل منازعات بین کشورها کمک کنند . نهادهای بین المللی و مکانیسمهای دیپلماتیک می توانند در تسویه منازعات و جلوگیری از تجاوزات مرزی و سایر تنش ها نقش مهمی را ایفا کنند .
۳. **عدالت و شفافیت :** توسعه روابط بین الملل می تواند به ایجاد عدالت و شفافیت در حکمرانی خوب کمک کنند و حقوق بین الملل و نهادهای بین المللی می توانند به تامین رعایت حقوق بشر ، عدالت اجتماعی و تقسیم منابع به عادلانه ترین شکل ممکن کمک کنند .
۴. **مشارکت مردم و جوامع مدنی :** روابط و توسعه بین المللی می توانند به مشارکت مردم و جوامع مدنی در فرآیندهای تصمیم گیری کمک کنند . ایجاد فضایی برای بحث و تبادل نظر در سطح بین المللی می تواند به تقویت نظام های دموکراتیک و تامین حاکمیت مشارکتی در سطح جهانی کمک کند در نتیجه این یافته ها تایید میکند که توسعه روابط بین الملل می تواند به حکمرانی خوب در سطح بین المللی کمک کند .

۶-۱ توسعه پایدار دولت خوب و حکومت خوب

توسعه پایدار و دولت خوب و حکومت خوب به طور کلی به هم مرتبط هستند و تاثیرات مثبتی بر یکدیگر دارند . توسعه پایدار به معنای رشد اقتصادی ، توسعه اجتماعی و حفظ منابع طبیعی است که به نسل های آینده امکان استفاده از منابع و منافع فراهم می کند . دولت خوب و حکومت خوب نیز به معنای دولتی است که بر اساس اصول عدالت ، شفافیت ، حسابرسی و مشارکت مردمی عمل می کند . توسعه پایدار باعث تقویت نظام قانون در یک کشور می شود . اجرای قوانین و مقررات صحیح کارآمد در راستای توسعه پایدار ، نشان از حکومت و حکمرانی خوب می دهد . همچنین توسعه پایدار نیازمند شفافیت در عملکرد دولت و سازمان های عمومی است . افزایش شفافیت باعث

ایجاد اعتماد عمومی به دولت و حکومت می‌شود. توسعه پایدار نیازمند مشارکت فعال مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به توسعه است. این امر باعث تقویت حکومت خوب و دولت خوب می‌شود، زیرا مردم در فرآیند تصمیم‌گیری شرکت کرده و احساس مالکیت و مسئولیت در قبال توسعه را دارند. حفظ منابع طبیعی و محیط زیست نیز جزء‌های توسعه پایدار است. دولت خوب و حکومت خوب باید سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب را برای حفظ منابع طبیعی اجرا کنند. این اقدامات باعث حفظ منابع طبیعی و محافظت از محیط زیست در بلند مدت می‌شود. توسعه پایدار نیازمند توزیع عادلانه منافع از رشد اقتصادی است. دولت خوب و حکومت خوب باید سیاست‌ها و برنامه‌هایی را اجرا کنند که به توزیع عادلانه منافع از توسعه کمک کنند. این اقدامات باعث افزایش عدالت اجتماعی و بهبود شرایط زندگی مردم می‌شود. به طور کلی، توسعه پایدار تاثیر بسیار مثبتی بر دولت خوب و حکومت خوب دارد. این نوع توسعه باعث تقویت نظام قانون، افزایش شفافیت، مشارکت مردمی، حفظ منابع طبیعی و توزیع عادلانه منافع می‌شود که همگام با مفهوم دولت خوب و حکومت خوب است.

۶- کانال‌های اثرگذاری شاخص‌های حکمرانی خوب بر دولت

۱) حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی و توسعه

تعریف جدید توسعه نیافتگی و فقر به صورت محرومیت از قابلیت‌ها، دیدگاه وسیعتری از توسعه را ارایه می‌کند که در تعاریف قبلی، یعنی فقر در آمدی، مورد توجه لازم قرار نمی‌گرفت. دموکراسی، حقوق مدنی و آزادی‌های سیاسی از جمله عوامل آگاهی بخش هستند که خواسته‌های مردم از دولت را شکل می‌دهند. بر اساس تقسیم بندي موسسه خانه آزادی حق اظهار نظر شهروندان و پاسخ‌گویی دولت مردان، بیانگر جنبه‌های مختلف آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی است. مردم بدون آزادی سیاسی نمی‌توانند عضو گروه هاشوند، ایده‌ای را شکل دهند و آن را بیان کنند. اما دولتهاي دموکراتيک از حقوق بشر حمایت کرده و اجازه مشارکت بيشتری در نهادها و اجرای قوانیني برای توزيع مناسب تر امکانات رفاهي از قبيل امکانات آموزشي و بهداشتی را می‌دهند. آزادی شهروندان برای اظهار نظر و پاسخ‌گویی دولت مردان به چهار روش می‌تواند بر توسعه اقتصادي مؤثر واقع شود (صامتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۰).

۲) بهبود عملکرد دولت

وجود آزادی‌های سیاسی اعم از آزادی بیان، قلم و اندیشه و وجود رسانه‌های متعدد، مستقل و آزاد، اعم از روزنامه، مجله، کتاب، رادیو و تلویزیون در هموارسازی مسیر توسعه نقش عمده‌ای دارند. در چنین شرایطی آگاهی مردم بالا می‌رود و عملکرد حاکمان مورد نقد واقع می‌شود و

دولت ها ناچار به عملکرد کاراتر می شوند و در غیر این صورت از چرخه قدرت توسط آرای مردم حذف می شوند (سعیدی، ۱۳۸۶: ۱۵).

۳) ایجاد ثبات سیاسی

در شرایطی که افراد جامعه از آزادی های سیاسی برخوردار باشند، همه مردم احساس امنیت و آزادی می کنند و خدمات رسانه ها در سایه رقابت، از نظر کمیت و کیفیت ارتقاء میابد و کلیه اقتشار جامعه را پوشش می دهد. بنابراین رسانه ها به دلیل مستقل و آزاد بودنشان می توانند حقایق را در جامعه مطرح کنند و نیازی به رسانه های خارجی برای کشف حقایق جامعه احساس نمی شود و زمینه بی ثبات کردن جامعه توسط رسانه های خارجی از بین می رود (سعیدی، ۱۳۸۶: ۱۵).

۴) انباشت سرمایه فیزیکی

انجام اعتراضات گسترده و قوی از سوی اتحادیه ها و تشکل های کارگری، می تواند بر نحوه توزیع درآمد میان نیروی کار و سرمایه تأثیر بگذارد. رو در یک چنین استدلال می کند که با فرض ثبات سایر شرایط، اعتراضات گسترده اتحادیه ها و تشکل های کارگری، سطح دستمزدها را بالا برد و از این طریق نرخ بازگشت سرمایه را کاهش می دهد که این خود کاهش انگیزه سرمایه گذاری برای سرمایه گذاران بخش خصوصی را در پی دارد. اما بر خلاف این ادعا کلاغو معتقد است که نه تنها این اثر بسیار ناچیز است، بلکه علاوه بر آن آزادی شهروندان برای اظهارنظر و پاسخگویی دولت مردان، امنیت حقوق مالکیت و ضمانت اجرای قراردادها را افزایش داده و بنابر این با کاهش ریسک و نااطمینانی، نرخ بازگشت سرمایه افزایش میابد (کلاغو و دیگران، ۱۹۹۶، ص ۲۶۴).

۵) انباشت سرمایه انسانی

انجر من معتقد است در جوامعی که شهروندان از آزادی های مدنی بیشتری برخوردارند، حکومت ها نسبت به تأمین نیازهای اولیه مردم پاسخگو تر هستند، چرا که آنها سیاست هایی را انتخاب خواهند کرد که انباشت سرمایه انسانی را افزایش می دهد. ارتقاء سرمایه انسانی از یک سو با سطوح بالاتر تولید در ارتباط است و از سوی دیگر تقاضا برای دموکراسی را افزایش می دهد، که این خود موجب پاسخ گو تر شدن حکومت ها می شود (صامتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۲).

۶) ثبات سیاسی و توسعه

شاخص ثبات سیاسی نشان دهنده عدم وجود خشونت در جامعه می باشد. چندین معیار در محاسبه این شاخص به کار می رود که به ارزیابی بی ثباتی دولت و یا احتمال براندازی آن از طریق ابزار های خشن و غیرمدنی می پردازد و اعمال دیگری مانند شورش های داخلی، تروریسم، کودتا و ترور را نیز در بر می گیرد. ثبات سیاسی از دو طریق بر توسعه اقتصادی اثرگذار می باشد:

۱) افزایش سرمایه گذاری داخلی و خارجی

تشویق مباحثات آزاد در مورد انتخاب سیاستمداران و سیاست‌ها، امکان براندازی قدرت‌حاکم را با ابزارهای نامشروعی چون کودتا و شورش از بین می‌برد. بنابراین در چنین جوامعی تغییرات سیاسی پیش‌بینی پذیر تر از نظام‌های خودکامه است. این امر با کاهش هزینه ریسک سرمایه‌گذاری، موجب افزایش سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی می‌شود. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدونیک نظام مسالمت‌آمیز و آرام به طور رضایت‌بخش و مطلوبی کار کند. درگیری‌های جناحی، ترورهای سیاسی، کودتا و پدیده‌هایی مانند آن، با از بین بردن امنیت حقوق مالکیت موجب افزایش ریسک و ناطمینانی در فضای اقتصادیک کشور گردیده و به تبع آن کاهش سرمایه‌گذاری داخلیو خارجی و توسعه اقتصادی را به دنبال دارد (با رو، ۱۹۹۱، ص ۴۲۴).

۲) جلوگیری از فرار مغزها

همان طور که بیان شد ایجاد ثبات و امنیت در جامعه موجب افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در کشور می‌شود. سرمایه‌گذاری خارجی ضمن انتقال تکنولوژی، مدیریت و کادر متخصص مورد نیاز به کشور، منافع کشور را به منافع کشورهای سرمایه‌گذار گره می‌زند. لذا سرمایه‌گذاری‌های مذکور خود ثبات و امنیت را بیشتر کرده و به سرمایه‌گذاری فزاینده منجر می‌شود. در چنین شرایطی فرار سرمایه‌ها و مغزها متوقف می‌شود و در خدمت رشد و بالندگی کشور به کار گرفته خواهد شد (سعیدی، ۱۳۸۶، ص ۱۵).

۷.نتیجه گیری

جهانی شدن امری است که در دهه‌های اخیر با شتاب بالایی در حال رشد بوده است و این پدیده تاثیر مستقیم و غیر مستقیمی بر سیاست خارجی دولت‌ها داشته است. جهانی شدن باعث شده است که گسترش تجارت جهانی، تکنولوژی و رسانه‌های اجتماعی مرزهای جغرافیایی را نادیده بگیرند و در نتیجه دولت‌ها مجبور شده اند سیاست‌های خود را به چالش بکشند و با توجه به شرایط جدید و تحولات جهانی، اقدامات موثری را انجام دهند. به علاوه، جهانی شدن باعث شده است که ارتباطات بین المللی و تعاملات بین کشورها افزایش یابد و این موضوع نیز تاثیر قابل توجهی بر سیاست خارجی دولت‌ها داشته باشد. اگر جهانی شدن سیاست را رهایی امر اجتماعی از سیطره دولت، کم رنگ شدن مرزهای ملی و فروریختن باورها و تصورات سنتی و کلاسیک از مفاهیم سیاست نظری حاکمیت، منافع ملی و تحول قدرت از شکل سخت افزاری به نرم افزاری بدانیم، ملاحظه می‌کنیم که بر اثر این فرآیند حاکمیت ملی دولتها دچار محدودیت‌هایی شده و بر اثر گسترش فرآیند جهانی شدن، دولت‌های ملی ابعاد مهمی از توانایی، خودمختاری و حاکمیت خود را از دست می‌دهند و به نحو فزاینده‌ای با بازارهای جهانی، سازمان‌های تجاری منطقه‌ای،

نهادهای سیاسی بین المللی و جنبش‌های فکری روبرو می‌شوند و این موضوعات را می‌توان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مشاهده کرد. سیاست خارجی که در جهت کاهش تنش ها سیر می‌کند و عناصر بازدارنده در روند بهبودی مناسبات، روز به روز بهموضع دفاعی سوق داده می‌شوند و تعقیب سیاست تنش زدایی و تعامل سازنده با جهان، نشانه‌هایی از تأثیرگذاری فرایند جهانی شدن در بعد سیاسی آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود و تنش زدایی به منزله واکنشی مناسب به پدیده جهانی شدن، منادی دعوت جهان به صلح مبتنی بر عدالت و مساوات است که بر نهادینه شدن مقررات حقوق بین الملل و کاهش تنش در دو سطح منطقه‌ای و جهانی و تعامل سازنده کشورها با یکدیگر برای پیشبرد اهدافشان در عرصه بین المللی است (مرادنژاد و همکاران، ۱۳۹۵).

به طور کلی، توسعه پایدار به معنای توسعه‌ای است که به طور هم‌مان در بعدهای اقتصادی، اجتماعی و محیطی پایدار است و باعث حفظ منابع طبیعی و افزایش کیفیت زندگی جامعه خواهد شد. توسعه پایدار، نیازمند مدیریت منابع طبیعی بهینه است. باید به مدیریت منابع طبیعی بهینه توجه کنند. این امر باعث حفظ منابع طبیعی، کاهش آلودگی محیط‌زیست و بهبود حکمرانی خوب می‌شود. به عنوان مثال، این حکومت‌ها باید در زمینه احترام به حقوق کارگران، حقوق زنان و حقوق کودکان تلاش کنند. این امر باعث بهبود حکمرانی خوب و رفاه جامعه می‌شود. و این امر باعث افزایش پایداری اقتصادی و اجتماعی و بهبود حکمرانی خوب می‌شود. بنابراین، توسعه پایدار می‌تواند به عنوان یک رویکرد کامل به توسعه، برای حکمرانی خوب دولتها اثرگذار باشد. این رویکرد باعث افزایش شفافیت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت شهروندی، ایجاد اشتغال، مدیریت منابع طبیعی، حفاظت از حقوق انسانی و توسعه مستدام می‌شود که همگی به بهبود حکمرانی خوب کمک می‌کنند.

مواردی که برای یک حکمرانی خوب می‌توان در نظر داشت که با اتکا بر این عوامل به سمت توسعه حرکت کرد و کوتاهی در هریک از این موارد باعث بی‌اعتمادی و فروریختن مشروعیت در نظر مردم می‌شود به شرح ذیل است:

- پاسخ‌گویی همه نهادها
- رسیدن به شفافیت
- جامعه مدنی فعال
- مبارزه با فساد و سلامت اداری
- مشارکت فعال شهروندان
- اجماع محوری

مسئولیت پذیری مسئولان •

منابع

۱. امامی قشلاق، محسن، بی زوال، حسین.(۱۴۰۰). بررسی و تحلیل ابعاد حقوقی و مالی نقش توسعه اقتصادی و پیامدهای آن بر حکمرانی خوب. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۰(۳۵).
۲. باقرزاده، محمدسعید؛ طبری، مجتبی؛ مجیبی، تورج؛ باقرزاده محمدرضا (۱۳۹۹) طراحی و تبیین مدل حکمرانی خوب برای ادارات کل کتابخانه‌های عمومی کشور، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، ۱۱(۱۱): ۲۸۹-۳۱۰.
۳. باقرزاده، محمدسعید؛ طبری، مجتبی؛ مجیبی، تورج؛ باقرزاده محمدرضا (۱۳۹۹) طراحی و تبیین مدل حکمرانی خوب برای ادارات کل کتابخانه‌های عمومی کشور، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، ۱۱(۱۱): ۲۸۹-۳۱۰.
۴. برک پور، ناصر و اسدی، ایرج (۱۳۸۸) مدیریت و حکمرانی شهری. تهران: دانشگاه هنر. معاونت پژوهشی.
۵. جلیل خانی، نازک و رحیمی، محمد (۱۳۸۹)، حکمرانی خوب شهری، نشریه مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران (میدان شهر)، (۱۱).
۶. حاجیان پور، احمد (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب، فصل نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۶(۲۲).
۷. حسین زاده، مهدی (۱۳۸۴). حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر. نشریه حقوق اساسی؛ ۳(۱).
۸. دال، رابت، (۱۳۷۹). درباره دموکراسی، ترجمه حسن فشارکی، تهران: انتشارات شیرازه.
۹. سامتی، مرتضی؛ رنجبر، همایون؛ محسنی، فضیلت (۱۳۹۰) تحلیل تأثیر شاخصهای حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی مطالعه موردي: کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASENA)، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱(۴): ۱۸۳-۲۲۳.
۱۰. طاهری، عباس (۱۳۷۹) از دولت خوب تا حکومت داری خوب، نشریه فرآیند مدیریت و توسعه، ۴۸ و ۴۹: ۲۶-۹.
۱۱. عیوضی، اصغر، (۱۳۸۲). چالش پارلمانهای محلی ایران در فرآیند گذار، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش شوراهای اسلامی، تهران: پژواک جامعه: ۲۱۰-۱۹۳.

۱۲. قلی‌پور، رحمت الله (۱۳۸۷) حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، دفتر گسترش تولید علم.
۱۳. مقداری، رحمت الله (۱۳۸۳) تحلیل و امکان سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تاکید بر نق دولت. دان مدیریت (۶۲).
۱۴. ملک احمدی، سیده عاطفه؛ الونی، سید مهدی و معمارزاده طهران، غلامرضا، (۱۳۹۵). اولویت بندي شاخص های حکمرانی خوب در سازمان های کارا (مطالعه موردی: شعب بانک رفاه استان قزوین)، ۷(۱)، ۱-۹.
۱۵. نصیر خانی، پرویز. (۱۳۹۳). تأثیر حکمرانی خوب به عنوان شاخص اخلاقی بر رشد اقتصادی. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۳(۷)، ۴۰-۸۵.
۱۶. وثوقی. فتاح، قلی پور رحمت الله، (۱۳۸۲) حکمرانی خوب و نقش دولت، فرهنگ مدیریت، ۱(۴)، ۹۳-۱۰۹.
۱۷. هیوم، دیوید و ترنرمارک، ترجمه عباس منوریان (۱۳۷۹) حکومت داری و مدیریت توسعه، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی
۱۸. بیزان فام، اسماعیل (۱۳۹۶) حکمرانی خوب و ارتقای سلامت نظام اداری: تبیین نقش دولت الکترونیک، پژوهش‌های مدیریت عمومی، ۱۰(۳۷)، ۲۲۲-۲۰۳.
19. Barro, Robert (1991), Economic Growth in a Cross Section of Countries, Quarterly Journal of Economics, 106(2), pp. 407-433.
20. Bartolini, David & Ssantolini, Raffella. (2017). Political institutions behind good governance. Elsevier_economic systems 41 (2017) 68-85.
21. Clague, C., Keefer, P., Knack, S. and Olson, M. (1996), Property and Contract Right in Autocracies and Democracies, Journal of Economic Growth, 1(2), pp. 243-267.
22. Department, Working Paper, 553, 1-37.
23. Graham, John Amos (2011), Bruce and Time Plumptre Principles for Good Governance in the 21st Century, Policy Brief No.15 August 2003.
24. Guichard, S., Kennedy, M., Wurzel, E. & Andre, C. (2007). "What Promotes Fiscal Consolidation: OECD Country Experiences". OECD Economics
25. Haggard, S., MacIntyre, A. and Tiede, L. (2007), "The Rule of Law and Economic Development" by University of California – San Diego.

26. Hammache, Ahmad. (2017). Relation between good governance and economic growth, University of Paris.
27. Harris, J. David (2008), "A Discourse Analysis of Institutionalized in The Field of New Zealand Rugby 1885 and 2005", at Massey University, Palmerston North and New Zealand, Book, online in English.
28. World Development, 38(12), 1-16.
29. Kaufman, D., Kraay, A. (2007). Governance Indicators: Where Are We, Where should we be going? Global Governance Group. Policy Research Working Papers No, 4370, Washington DC: World Bank.
30. Kooiman, J. (2003). Governing as Governance. SAGE Publication. London. Thousand Oaks. Calif. and New Delhi.
31. Larch, M. & Turrini, A. (2008), "Received Wisdom and Beyond: Lessons from Fiscal Consolidation in the EU". Brussels: European Commission, Directorate
32. Rafiq Alrahman, Aboo Tayeb (1384), Improving Government Performance through Administrative System Reforms, Safar, Mohammad, Management and Planning Organization Publishing, First Edition.
33. Rahimi, Roohollah & shakeri, hamid (2016). Reflection on corruption of judicial system and offer solutions for its health promotion. journal International political and law. Vol.2.No.27.
34. Sadera, Jefferson M.; Frivaldo Florendo S&Bueno, David Cababaro. (2019). Harmonizing Good Governance across Barangays in a Metropolitan Setting. Institutional Multidisciplinary Research and Development (IMRaD), July, ISSN 2619-7820, DOI: 10.13140/RG.2.2.10006.70723.
35. Saeidi, Khalil (1386), Developement Theories, Cooperative Company of Culture and Arts Entrepreneurs Publishing, First Edition.
36. Smith, B. C. (2015). Good governance and development. Hounds mills/New York: Palgrave MacMillan.
37. Stratford, Elaine (2007). Sustainable development and good governance: Pathways to good Practice in regional governance. No.3.
38. Un Escap (2002) "What is Good Governance?" At: <http://www.unescape.org/huset/22/Governance.htm>.
39. UNDP (2000). Characteristics of Good governance. The Urban Governance initiative TUGI. UN-HABITAT (2002). The global campaign on Urban Governance. www.unhabitat.org